

زائران از عهده خانه خدا خوش آمدید.

امید دارم از این سفر با عظمت و آموزنده بهره ای کامل برده باشید. آنچه تا کنون سنگواره و سنگینه نامیده می شد در «مثنی» در مظهر عظمی است، یعنی: «زور و نور و تدبیر». خواه اشیای عظیم در گشت و خیزش مادی پستی داشته باشد، که دیگر بازگشت بسوی سر آه، سیر نباشد.

در این مناسبت که شما به توفیق اجرای یک برنامه نگاه دهنده آن ناز، دست یافته اید، چه دارد، به بعضی نکات مهم اسلامی که فراوانی و با تحریفش توجه فرمائید:

۱- اسلام، اجازت هیچگونه القاب و امتیازات را نداده است. هرگز حضرت پیامبر اسلام و راه بزرگواران - علیهم الصلوٰه والسلام - و معارف خدوتعالی پس از آن، لقبی نهند: «حاجی، سید» و... و این ۱۴۰۰ و... و... علائق بی تناسب این القاب نداشته اند؛ و لباس آنان از لباسای عرفی رایج هموطنان (جز در تنها صورتی که منحصرتن نفی در آن بهم نباشد) جدا نبوده است. علاوه بر این، اگر کسی آرزو کند که به دلیل اینکه عبادتی انجام داده، بر دیگران احترام و برتری یابد، در صدر نشیند و ریش بپوشد، آن عبادت صورتی، نه تلا موجب ثواب نیست، بلکه معصیتی است که تا آن حالت تجاوز و برتری طلبی در نهاد رساند، آن معصیت نیز استمرار دارد.

۲- هدیه آوردن از سفر و رفتن دوست به دیدار می فرستادن و غیره برای عیب خاص از میهمان، همه از کارهای پسندیده بشری است. اما هر گاه میست، وقتی با یک امر حرام همراه باشد، خود نیز حرام می شود.

تفاوت هر یک از این کارهای پسندیده، اکنون یک جنبه یا جنبه های متعدد حرام را همراه دارد و حتی اگر از ایجاب مکن، اولین عوامی که همه این کارها در بر دارند این است که، در عرف جامعه ما، این کارها - بصورت تکلیفی در آمدند که هر کس - چه بتواند یا نتواند و چه رعیت داشته باشد یا نه - خود را مجبور به انجام دادن آن می دانند. همه آن ها و ناهای انسانی را در برابر این تکلیف شنیدیم. همه خبر داریم که مسافران در مورد رانندگی برای مناسب و ترتیب پذیرانی و پس گرفته سفره «حاجت» و دوست ها آن ها در مورد رانندگی «ممنوع الیاری» لایق شایسته انسانی، چه در دسری تحمل میکند!

اضافه بر این، در پذیرایی های حاجت (مانند خال پذیرایی مراسم در حاکم) دو حرام دیگر نیز

منظر است. یکی: «اسراف» یعنی اینکه: اضافه بر حد متوسط زندگی جامعه (که معیاس اسلامی ۱-۲۴ برای تنظیم اقتصاد عمومی است) خوراک تهیه می شود، و دیگری: «تبدیر» یعنی اینکه: مقدار کمی از نعمت

تأخیری که بخواه قرائت آنرا در تعبیری بسیرا کنی تا اگر مکنه به این عبارت: «إِنَّ الشَّيَاطِينَ
 سَكَتُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» (علاوه بر این: جنبه های منفی دیگر نیز مانند ریاضت حسابی
 در پیوسته - در این ۴ و ۵ و ۶ است)

با توجه به این حقایق، انتظار دارم محاربتی را که این مرام را نه ایند، باین همه محرمات و تبدیلی
 به معصیت لغو نمائیم و پس از آنکه بطن هر ضرر و زیاده و تیرید را سنگ را نگرید و دوباره
 فصول در وجهه های این بطن هر محاربت را، در ضمیر خود بزرگ زید، اگر از نظر مالی توانائی
 داشته باشیم، بهتر است پولی را که در این امور بر از نظر هر خرج میکنی، برای اموری که شرف
 عبادی بزرگی هستند بپردازیم، مانند کمک بهی نواده های بعضی از ریشه ها که سرک
 خود را از دست داده اند و کمک بزرگداشتی که می آید می آید خود را بسپارند تا مدیون کنند

و این را به جمع شما می رسد و مشکور باد

احمد نقی زلی

والسلام علیکم ورحمة الله